

# نظری به قفقازیه

جغرافیا و مردمان، احزاب و فرقِ سیاسی

شیخ یحیی کاشانی

به کوشش

کاوه بیات و مجتبی پریدار

سروشنامه	: کاشانی، یحیی، ۱۳۰۸-۱۲۵۲
عنوان و نام پدیدآور	: نظری به قفقازیه- جغرافیا و مردمان، احزاب و فرق سیاسی / نویسنده یحیی کاشانی؛ به کوشش کاوه بیات و مجتبی پریدار.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۲ ص:؛ جدول: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
فروست	: قفقاز و آسیای میانه: ۱۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۴۳-۶۰-۷
یادداشت	: کتاب حاضر گردآوری سلسله مقالاتی درباره قفقاز و تأثیر تحولات آن بر ایران به قلم شیخ یحیی کاشانی در فاصله ۱۸ رجب تا ۱۶ رمضان ۱۳۳۶ هجری قمری است، که در روزنامه ایران منتشر شده است
یادداشت	: نمایه
موضوع	: قفقاز—Caucasus
موضوع	: قفقاز—تاریخ—History—Caucasus
موضوع	: قفقاز—جمعیت—Population—Caucasus
موضوع	: قفقاز—تاریخ—قرن ۲۰ م. 20 <sup>th</sup> century—History—Caucasus
موضوع	: قفقاز—تاریخ—انقلاب، ۱۹۲۱-۱۹۱۷ م 1917-1921—History—Revolution—Caucasus
موضوع	: قفقاز—روابط خارجی—ایران—Foreign relations—Caucasus
موضوع	: قفقاز—روابط خارجی—قفقاز—Foreign relations—Caucasus
شناسه افزوده	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳-، گردآورنده
شناسه افزوده	: پریدار، مجتبی، ۱۳۳۳-، گردآورنده
زده بندی کنگره	: DK۵۱۱
زده بندی دیویی	: ۹۴۷/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۳۳۷۸۱



### نظری به قفقازیه

جغرافیا و مردمان، احزاب و فرق سیاسی

نویسنده: شیخ یحیی کاشانی

به کوشش: کاوه بیات و مجتبی پریدار

انتشارات شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: خرداد ۱۳۹۹

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: [www.shirazehketab.com](http://www.shirazehketab.com)

## فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه.....
۱۵	[مقدمه].....
۱۹	بخش اول: جغرافیا و مردمان قفقاز.....
۱۹	اوضاع جغرافیائی قفقاز.....
۲۶	انهار و دریاچه‌ها.....
۲۷	معابر طبیعی قفقاز.....
۲۸	دخالت اوضاع طبیعی در احوال سکنه قفقاز.....
۳۰	حسن و زیبایی نژاد قفقازی.....
۳۵	تقسیمات سیاسی قفقاز و ایالات و ولایات آن.....
۳۷	تقسیمات سیاسی در قفقاز شمالی.....
۳۹	تقسیمات قفقاز جنوبی.....
۴۹	طبیعت اراضی قفقاز و منابع ثروت آن.....
۵۶	ملل مختلفه ساکن قفقاز.....
۵۷	[چرکس‌ها].....
۶۱	[لزگی‌ها].....

۶۴	[اوست‌ها].....
۶۵	[گرجی‌ها].....
۶۹	[ارمنی‌ها].....
۷۲	نژاد ترکی.....
۸۵	مذاهب و السنه اهالی قفقازیه.....

بخش دوّم: احزاب و فرّق مختلفه قفقاز..... ۸۹

۹۰	[اتفاق اسلامی].....
۹۴	[احزاب نژادی].....
۱۰۲	[بلشویسم].....
۱۱۳	[مساوات].....
۱۱۶	[سوسیال‌رولوسیونر].....
۱۱۸	[دانشناکسیون].....
۱۲۱	[پان‌ترکیزم].....
۱۲۶	جنگ بین احزاب سیاسی قفقاز.....
۱۳۲	غلبه حزب بلشویک و نتایج آن.....
۱۳۵	عواقب اوضاع قفقاز.....
۱۴۴	علاقه ایران و قفقاز.....
۱۵۷	نقشه حمله به هندوستان از طریق قفقاز.....
۱۶۳	خاتمه.....

فهرست اعلام..... ۱۶۵

## یادداشت دبیر مجموعه

نظری به قفقازیه با عنوان فرعی *جغرافیا و مردمان، احزاب و فِرَق سیاسی* که برای آن انتخاب شده است مهم‌ترین نوشته‌ای است که در یک دوره بحرانی از تاریخ معاصر درباره قفقاز و تأثیر تحولات آن بر ایران منتشر شده است؛ سلسله‌مقالاتی به قلم شیخ یحیی کاشانی که در فاصله ۱۸ رجب تا ۱۶ رمضان ۱۳۳۶ در روزنامه *ایران* منتشر شد<sup>۱</sup> و اینک به صورت یک رساله مستقل تجدید چاپ می‌شود.

این نوشته در مراحل پایانی جنگ اول، در دوره‌ای منتشر شد که با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و فروپاشی امپراتوری تزاری، قفقاز پس از حدود نود سال که تحت استیلای روسیه قرار داشت، بار دیگر به صورت موجودیتی مستقل پا به عرصه وجود گذاشت، خود به یکی از کانون‌های اصلی رقابت و رویارویی مجموعه‌ای از قدرت‌های مختلف تبدیل شد و در این تغییر و تبدیل، تحولات جاری در حوزه‌های همسایه، از جمله ایران را برای مدتی تحت‌الشعاع خود قرار داده بود.

---

۱. شماره‌های ۲۱۴ تا ۲۸۵، مطابق با ۱۰ ثور / ۳۰ آوریل تا ۷ سرطان ۱۲۹۷ / ۲۶ ژوئن ۱۹۱۸.

شیخ یحیی کاشانی، روزنامه‌نگار برجسته‌ای که در بخش بعدی این یادداشت به زندگانی او اشاره‌ای خواهد شد، این سلسله‌مقالات را در زمانی نوشت که با فروپاشی امپراتوری روسیه، از یک‌سو قفقاز در مقابل پیشروی قوای عثمانی و ادار به اعلان استقلال و جدایی از ترکیب سیاسی پیشین شده بود و از سوی دیگر متفقین و در درجهٔ اول بریتانیا نیز برای پُرکردن جای خالی نظامیان روسیه و جلوگیری از پیشروی عثمانی‌ها در صدد استقرار نیرو در قفقاز و بخش‌های شمالی ایران برآمده بودند.

ایران که هم‌اینک در چند مرحله بی‌طرفی‌اش نقض و قلمرواش عرصهٔ یک رویارویی خانمان‌برانداز میان متفقین - روس و انگلیس - و دولت‌های مرکز - عثمانی و آلمان - شده بود بار دیگر در معرض رویارویی دیگری قرار گرفت که این بار مرکز ثقل آن از صفحات غربی و شمال غربی ایران به سمت شمال تغییر کرده بود.

شیخ یحیی کاشانی با در نظر داشتن یک‌چنین تحولی، آن که «... به واسطهٔ انقلاب روسیه... اوضاع قفقازیه فوق‌العاده بحران‌آمیز، اقوام و ملل مختلفهٔ آن و نزادهای عدیدهٔ ساکن آن سرزمین در داخل و خارج گردیده ممکن است در آتیهٔ نزدیکی تمشیات و تقسیمات آن منتهی به مقدراتی شود که حد تصور کنونی ما خارج است و بالطبع مملکت ایران از تأثیر اوضاع آن لاقید نخواهد ماند...» لازم دانست «... که اوضاع جغرافیایی طبیعی و سیاسی و تاریخ قدیم و جدید آن را تا حدی که ممکن است تحت دقت قرار داده و علی‌را که موجب این انقلاب بی‌نظیر در قفقازیه گردیده... استکشاف کرده و اگر فی‌الجمله عقل و درایت و مآل‌اندیشی داشته باشیم از این اوضاع عبرت... بگیریم»<sup>۱</sup>

نظری به قفقازیه را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: «جغرافیا و مردمان قفقاز» و «احزاب و فرقی مختلفه قفقاز». بخش اول که مقدمه‌ای است بر تاریخ و جغرافیای قفقاز از دیرباز تا ادوار متأخر و آنگاه پاره‌ای از مشخصات نظام سیاسی و اداری آن در دوره استیلای روس‌ها، نوشته‌ای است مطابق با آن بخش از علم و دانش آن روزگار که می‌توانست در دسترس یک روزنامه‌نگار علاقمند به این‌گونه مباحث قرار داشته باشد. دانشی که اگرچه از جهاتی چند مانند تأکید بر تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی بر خلق و خوی مردمان آن حدود<sup>۱</sup> و یا با داده‌های مشخص‌تر درباره تاریخ و جغرافیای قفقاز می‌تواند با نوع نگاه ما به این‌گونه مقولات یا با دانش امروزی ما از آن سامان، تنافر داشته باشد، اما به‌عنوان نمونه‌ای از نوع نگاه نخبگان وقت به تحولات قفقاز، نکات مهمی در خود دارد.

در بخش دوم- احزاب و فرقی مختلفه قفقاز- که از بخش اول نیز مهم‌تر است، تحولات سیاسی قفقاز از اوایل قرن بیستم، از دوران انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و برآمدن مجموعه‌ای از احزاب ملی و مذهبی در میان مردمان آن حدود مورد توجه است. احزاب و گرایش‌هایی که با پیشامد فروپاشی امپراتوری روسیه از وضعیت ابتدایی و اولیه‌ای که در سال‌های نخست قرن بیستم در میان مردمان مسیحی و مسلمان این سامان داشتند فاصله گرفته هریک به‌صورت مشخصی با ترکیبی از گرایش‌های جدید سیاسی و هویتی وارد کار شدند.

شیخ یحیی کاشانی با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی قفقاز و سایه سنگین قدرت‌های همسایه بر آن، تنوع اقوام و ملل آن حدود و تشتت حاصل از این ویژگی، احتمال پاگرفتن مجموعه‌ای از کشورهای مستقل را

۱. بنگرید به صص ۲۹-۲۸ و ۴۹ همین بررسی.

در قفقاز کم می‌داند. اگرچه در بخشی از این بررسی رویکرد انترناسیونالیستی بلشویک‌ها را در آن حدود که شاید می‌توانست به تحدید مناقشات قومی و مذهبی قفقاز کمک کند با دیده‌ای مثبت می‌نگرد<sup>۱</sup> اما در مجموع منافع قفقاز و مخصوصاً صفحات جنوبی آن را در اتحاد و نزدیکی با ایران می‌بیند. زیرا «ممکت قفقازیه... از بدو تاریخ تاکنون همواره به قدری علاقه مادی و معنوی با ایران داشته که غالباً در شداید و محن و سعادت و نکبت مقدرات آنها به یکدیگر بسته...» بوده‌اند.<sup>۲</sup> «ایرانیان نیز به درستی از دیرباز بخش‌هایی از آن حدود را جزء لاینفک ایران شمرده، از هیچ نوع فداکاری و مجاهدت در نگهداری آن دریغ...» نکرده بودند<sup>۳</sup> و اینک که نظام بلشویک به‌طور کلی و «... مسیو براوین نماینده آن دولت در طهران اعلان عمومی نمود که حاضر است تمام معاهدات سابقه بین ایران و روسیه را که به قوه فشار استبداد تزاری منعقد شده و به حقوق ایران تجاوز و تعدی کرده‌اند، فسخ کرده و معاهدات جدیدی...»<sup>۴</sup> منعقد کند «... واضح است که اولین و بزرگترین معاهدات مشئومه مذمومه معاهده ترکمانچای است که مقدار زیادی از خاک اصلی و طبیعی ایران را به روسیه داده است...»<sup>۵</sup>

با اینحال، شیخ یحیی کاشانی از مخاطراتی که این پیوند و نزدیکی را تهدید می‌کرد بی‌اطلاع نبود و نکاتی که در این زمینه مطرح می‌کند یکی از مهم‌ترین بخش‌های این بررسی است؛ او به درستی ریشه آشوب‌های اخیر قفقاز را در سیاست‌های توسعه‌طلبانه عثمانی می‌دید که اینک رنگ و رویی پان‌ترکی به‌خود گرفته و در این چارچوب با طرح مباحث نادرستی چون

۱. بنگرید به صص ۱۱۱-۱۰۸ همین بررسی.

۲. بنگرید به صص ۱۵ همین بررسی.

۳. بنگرید به صص ۱۶ همین بررسی.

۴. بنگرید به صص ۱۳۲ همین بررسی.

۵. بنگرید به صص ۱۳۲-۱۳۱ همین بررسی.



«آذربایجان» نامیدن خانات مسلمان‌نشین قفقاز زمینه تسری این آشوب و اغتشاش را به ایران نیز فراهم می‌آورد.

گزارش شیخ یحیی کاشانی در این زمینه در بخش «پان‌ترکیزم» این رساله صریح و گویاست و متضمن نکات مهم و جدیدی در خصوص ماهیت تحركات مساواتی‌ها و حامیان عثمانی آنها و همچنین واکنش ایرانیان نسبت به این دعاوی.<sup>۱</sup> این نیز در حالی بود که در زمان انتشار این رشته‌مقالات هنوز مدت زیادی از مرحله بعدی پیشروی نظامی عثمانی به سمت گنجه، شیروان و بادکوبه نگذشته بود و نتایج عملی این سیاست به صورت اعلان استقلال سه جمهوری ارمنستان، گرجستان و «آذربایجان» به درستی روشن نبود.

در آن مقطع، شیخ یحیی کاشانی سعی کرد آنچه را که به زعم او یک ایرانی می‌بایست در ارتباط با موضوع قفقاز بداند و «... اگر فی‌الجمله عقل و درایت و مآل‌اندیشی داشتیم...» از آن عبرت بگیریم، بنویسد و به جامعه سیاسی و فرهنگی آن دوره ارائه کند؛ جالب یا در واقع تأسف بار آن است که در دو مقطع بعدی که ایران باز هم با رخ‌نمایی مجدد قفقاز به صورتی نصفه و نیمه مقارن با بحران آذربایجان در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ و آنگاه به صورتی آشکار در پی فروپاشی امپراتوری روسیه شوروی و استقلال جماهیر آن سامان، روبرو شد شیخ یحیی‌ای در کار نبود تا آنچه را که یک ایرانی در این ارتباط می‌بایست بداند، برایش توضیح دهد چه رسد به آنکه انتظار «عقل و درایت و مآل‌اندیشی...» هم داشته باشیم.

شیخ یحیی کاشانی (۱۳۰۸ش - ۱۲۹۳ه.ق) همان‌گونه که اشاره شد یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران ایران است که بیش از ۲۵ سال، از مراحل نخست انتشار روزنامه و مجله به صورت اساسی، مقارن با انقلاب مشروطیت

۱. بنگرید به صص ۱۲۶-۱۲۱ همین بررسی.

در این عرصه فعال بود و در همین عرصه نیز در سال ۱۳۰۸ شمسی از جهان رخت برست. فرزند او دکتر انور خامه‌ای در خاطرات خود یک شرح کلی از زندگانی وی به دست داده است،<sup>۱</sup> اما اولین و احتمالاً دقیق‌ترین گزارشی که از مراحل نخست زندگانی او در دست داریم، نوشته‌ای است به قلم ناظم‌الاسلام کرمانی، دوست و هم‌مسلك وی، در تاریخ بیداری ایرانیان.<sup>۲</sup> ناظم‌الاسلام از تولد او در ۱۰ ذیحجه ۱۲۹۳ ه.ق در کاشان می‌نویسد<sup>۳</sup> و تحصیلات علوم دینی، نخست در کاشان و آنگاه در اصفهان و نجف اشرف. به نوشته انور خامه‌ای در این مرحله بود که برای «... تحقیق و تفحص در زمینه‌های فرهنگ و علوم جدید... به طرف بیروت و شامات و اسلامبول... می‌رود... ترکی اسلامبولی را خیلی خوب می‌دانست»<sup>۴</sup>

شیخ یحیی کاشانی در سال ۱۳۱۶ ه.ق رهسپار تهران شد و همزمان با فعالیت در یک انجمن سرّی که در دوره مظفری شبنامه‌هایی را تحت عنوان لسان‌الغیب و غیرت بر ضد امین‌السلطان منتشر می‌کرد، در همین مضمون مقاله‌هایی را نیز برای نشریه حبل‌المتین کلکته ارسال می‌کرد.<sup>۵</sup> شیخ یحیی کاشانی، شناسایی و دستگیر شد و آنگاه به اردبیل تبعید شد. بعد از حدود دو سال در سال ۱۳۲۱ ه.ق مرخص شده به کاشان رفت، سپس به تهران آمد و ازدواج کرد.<sup>۶</sup> در این دوره، به نوشته ناظم‌الاسلام «... کار خود را منحصر به نوشتن مقالات سیاسی داشته، دو سال برای حبل‌المتین کلکته مقالات و

۱. دکتر انور خامه‌ای، خاطرات یک روزنامه‌نگار، با همکاری و ویرایش محمدعلی شهرستانی، تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۱.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات آگاه- زرین، ۱۳۶۲، صص ۴۷۳-۴۶۹.

۳. همان، ص ۴۶۹.

۴. خامه‌ای، پیشین، ص ۹.

۵. ناظم‌الاسلام، پیشین، ص ۴۶۹.

۶. خامه‌ای، پیشین، ص ۳۲.

اخبار نوشته... یک سال هم مدرسه رشديه را اداره کرد، بالاخره ميل به وطن اصلی نموده، طرف کاشان حرکت نموده و یک سال تقریباً در کاشان اقامت نمود و یک باب مدرسه به نام مدرسه علمیه در آنجا دائر نمود.<sup>۱</sup>

مقارن با مراحل نخست انقلاب مشروطه به تهران آمد و دبیری روزنامه *حبل المتین* تهران را برعهده گرفت.<sup>۲</sup> پس از کناره گیری ادیب الممالک فراهانی از دبیری روزنامه مجلس، سرپرستی آن را برعهده گرفت و این مسئولیت را تا کودتای محمدعلی شاه و تعطیلی مجلس برعهده داشت.<sup>۳</sup>

در دوره استبداد صغیر به سفارت عثمانی پناه برد و به نوشته ناظم الاسلام «... در سفارت عثمانی و مجلس سرّی بعضی خدمات نموده، بعد از اعاده مشروطیت روزنامه مجلس را در غیاب مدیر اداره نمود [و] پس از نایل شدن آقا میرزا محمدصادق طباطبایی [مدیر و صاحب امتیاز مجلس] آقا شیخ یحیی مدیری روزنامه را به عهده خود...» گرفت.<sup>۴</sup> این مسئولیت تا پیشامد واقعه اولتیماتوم و تعطیل شدن روزنامه مجلس ادامه داشت.<sup>۵</sup>

در مراحل بعد، در سال‌های مقارن با جنگ اول جهانی از انتشار روزنامه‌ای به نام *ایران/امروز* و مشورت به مدیریت او یاد شده است<sup>۶</sup> و اینکه مدتی هم با روزنامه *شهاب ثاقب* همکاری داشته است.<sup>۷</sup> در سال ۱۳۳۷ه.ق نیز خواستار امتیاز نشریه‌ای به نام وقت شده بود.<sup>۸</sup>

۱. ناظم الاسلام، پیشین، صص ۴۷۳-۴۷۲.

۲. همان.

۳. همان.

۴. ناظم الاسلام، پیشین، ص ۴۷۲.

۵. محمد صدر هاشمی، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان، انتشارات کمال، ج ۲، ۱۳۶۳.

۴ ج، ۴، ص ۵۹.

۶. صدر هاشمی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۴.

۷. خامه‌ای، پیشین، ص ۲۷.

۸. *اسناد مطبوعات*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، ج ۲، کاوه بیات و مسعود

کوهستانی‌نژاد (به کو. س.)، ج ۲، ص ۹۲.

همکاری او با روزنامه ایران چه در مقام نویسنده به گونه‌ای که از مقالات نظری به قفقازیه او برمی‌آید چه در سال‌های مقارن با سردبیری سیدحسین اردبیلی و ملک‌الشعراء بهار و چه عنوان ریاست تحریریه این روزنامه از سال ۱۳۰۲ تا درگذشت او در ۱۹ اسفند ۱۳۰۸، یک دوره طولانی و مستمر را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

\* \* \*

همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد به دلیل حذف سطور پایانی برخی از شماره‌های مجموعه موجود از روزنامه ایران در حین صحافی، در بخش‌هایی مطالب ناقص است؛ برای رفع این نواقص علاوه بر چند کتابخانه عمده تهران - مجلس، مرکزی و ملی - به کتابخانه‌هایی در مشهد، اصفهان و شیراز نیز مراجعه شد، اما نتیجه‌ای حاصل نشد؛ یا از این بخش از روزنامه نیمه‌رسمی و مهمی چون ایران نسخه دیگری نداشتند، یا داشتند و ندادند، که هر دو جای تأسف و سرافکندگی است. امیدواریم به راهنمایی دیگر پژوهشگران بتوان این کاستی‌ها را در تجدید چاپ کتاب، برطرف کرد.

در پایان لازم می‌دانم که از دوست گرامی جناب آقای مجتبی پریدار که ضرورت تجدید چاپ این مقالات را یادآور شده و زحمت آماده‌سازی آن را نیز عهده‌دار شدند، تشکر کنم.

کاوه بیات

## [مقدمه]

مملکت قفقازیه که از طرف شمال غربی همسایه وطن ما ایران است، از بدو تاریخ تاکنون همواره به قدری علاقه مادی و معنوی با ایران داشته که غالباً در شداید و محن و سعادت و نکبت مقدرات آنها به یکدیگر بسته، همواره ایرانیان تعلق خاطر خود را به آنجا اثبات کرده‌اند. چنانکه مدت‌ها سلاطین مقتدر ایران خاصه در تاریخ قدیم در عصر اشکانیان و ساسانیان و در عصر جدید در دوره سلاطین صفویه بیشتر محاربات خونین در قضیه حفظ قفقاز بین ایرانیان و سایر دول مقتدره از قبیل رومانی<sup>۱</sup>‌های غربی و شرقی و عثمانی‌ها واقع شده و دولت ایران تا دیرباز قسمت جنوبی این مملکت خاصه گرجستان و ایروان و غیره را عضو لاینفک مملکت ایران شمرده از هیچ نوع فداکاری و مجاهدت در نگاهداری آن دریغ ننمودند. از این مسئله گذشته در مصائب وارده که از تهاجم قبائل و ممالک بر غرب آسیا وارد می‌شده همواره این دو مملکت با هم شریک محنت و رنج بوده‌اند، چنانکه

---

۱. Roman، در این نوشته به معنای روم و رومی.

در حمله اسکندر یونانی و غارت قبایل مغول و تاتار و تهاجمات عثمانی‌ها و بالأخره در مقابل حرص جهانگیری تزارهای روسیه مصائب وارده بر هر دو فرود می‌آمده [است] سلسله جبال معروف قفقاز که متصل به جبال شمالی ایران می‌شود، برای اتصال طبیعی این دو مملکت برهان واضحی است. بنا بر مقدمات فوق، در این موقع که به واسطه انقلاب روسیه و استقرار حزب بولشویک در کرسی حکومت، اوضاع قفقازیه فوق‌العاده بحران‌آمیز، اقوام و ملل مختلفه آن و نژادهای عدیده ساکن آن سرزمین در داخل و خارج گرفتار کشمکش گردیده ممکن است در آتیه نزدیکی تمشیات و تقسیمات آن منتهی به مقدراتی شود که از حد تصور کنونی ما خارج است و بالطبع مملکت ایران از تأثیر اوضاع آن لاقید نخواهد ماند. قضایای مزبوره بر ما الزام می‌نماید که اوضاع جغرافیائی طبیعی و سیاسی و تاریخ قدیم و جدید آن را تا حدی که ممکن است تحت دقت قرار داده و عللی را که موجب این انقلاب بی‌نظیر در قفقازیه گردیده و بحران و تشتت عقاید و آراء و افکاری که به جرئت می‌توان گفت هیچ یک از ممالک اروپا و آسیا حتی هیچ یک از قطعات پر ولوله روسیه دستخوش نظیر این انقلابات نگردیده، استکشاف کرده و اگر فی‌الجمله عقل و درایت و مآل‌اندیشی داشته باشیم از این اوضاع عبرت گرفته و لااقل از بروز امثال آنها در مملکت خود جلوگیری کنیم.

وضعیت قفقازیه امروز شبیه به اوضاعی است که ناپلئون بزرگ در اواخر قرن ۱۸ برای فرانسه تصویر کرده و می‌گفت فرانسه بیست مملکت مختلف است در یک مملکت. قفقازیه خط فاصل بین آسیا و اروپا محل اجتماع و سکنای ملل مختلفه و نژادهای زیادی است که علاقه و سابقه اتصال و جامعیتی بین آنها وجود نداشته با اخلاق و عادات فوق‌العاده دور از هم. امروز که از فشار طماعان خارجی نجات یافته یا می‌خواهد نجات یابد زمام

مقدراتش به دست ساکنینش افتاده که علاوه بر تباین جنسی و نژادی و لسانی و مذهبی حالیه به اختلافات حزبی و مسلکی دچار گشته که حرارت صاحبانش در نهایت شدت و دیگ آمال هر کدام در متتهای غلیان است و در عین این حال از خارج، بلشویک‌های روسیه و تاتارهای قرم و اکراد و اتراک عثمانی از شمال و جنوب بر آن هجوم کرده و دول معظمه هر یک به دستیاری پروپاگانداچی‌های خود مملکت را میدان دسایس و انتریک‌های سیاسی کرده‌اند که در بعضی مراحل آن پای مملکت ما هم به میان آمده و دانسته یا ندانسته پاره‌ای بیانات برخی از احزاب آنها دقت و مراقبت ما را جلب می‌نمود. این است که محض اطلاع هم وطنان محترم از این شماره شروع به شرح اوضاع قفقازیه نموده و متوالیاً در پاورقی روزنامه ایران درج می‌نمائیم. فهرست مطالب مندرجه از قرار ذیل است:

۱. اوضاع جغرافیائی و جبال و انهار قفقاز، ۲. معابر طبیعی، ۳. دخالت اوضاع طبیعی در احوال سکنه آن، ۴. تقسیمات سیاسی و ایالات و ولایات، ۵. طبیعت اراضی و منابع و ثروت، ۶. ملل مختلفه ساکنین آن، ۷. مذاهب و السنه اهالی آنجا، ۸. تاریخ قدیم و جدید آن، ۹. رجال معروف آن، ۱۰. احزاب حاضره و مرام هر یک، ۱۱. مستقبل و مقدرات آن.<sup>۱</sup>

---

۱. این فهرستی از عناوین مورد نظر نویسنده در ابتدای نگارش این سلسله مقالات است؛ فهرست اصل مطلب به گونه‌ای که پیشتر ملاحظه شد البته تفاوت‌هایی دارد.